



۵ دیدگاه متفاوت در کارآفرینان موفق

۱. تعادل

کارآفرینان بسیار موفق سعی نمی‌کنند کل زندگی‌شان با تعادل پیش برود. گاهی لازم می‌شود که شب تا صبح کار کنند یا گاهی نمی‌رسند غذا بخورند. آن‌ها هر شرایط سختی را تحمل می‌کنند تا بحران بگذرد و شرایط سخت از بین برود.

بنابراین کارآفرینان فوق‌موفق به این فکر نیستند که کل روزهای زندگی را با تعادل، استراحت و تغذیه کافی بگذرانند.

البته بسیار خطرناک است که نبود تعادل تبدیل به عادت روزانه شود. اگر ما اغلب در محل کار نمی‌رسیم غذا بخوریم، این موضوع می‌تواند خطرناک باشد؛ ولی گاهی لازم است که تعادل را کنار بگذاریم و با شدت بسیار نامعقولی کار کنیم تا یک شرایط خاص بگذرد یا بحرانی جدی به پایان برسد.

۲. پول

انگیزه اصلی اغلب کارآفرینان موفق دنیا از کار کردن، پول نیست. آن‌ها زمانی که کار خود را شروع کردند محاسبه نکرده‌اند که این کار چقدر می‌تواند پول‌ساز باشد. علاقه آن‌ها به کاری خاص باعث شده که به تدریج در کار خود پیشرفت کنند.

اگر معیار ما فقط درآمد خوب و پول باشد خیلی زود خسته می‌شویم و کار را ادامه نخواهیم داد؛ ولی اگر علاقه باشد شاید آن‌قدر کار را ادامه دهیم تا در نهایت به درآمد خوب هم برسیم.

۳. کار نیمه وقت

کارآفرینان موفق درباره کار دوم یا کار نیمه وقت متفاوت فکر می‌کنند. اینکه ما جایی کارمند باشیم و با کار دوم یا کار نیمه وقت بتوانیم یک کسب‌وکار بسیار موفق راه‌اندازی کنیم، شاید تا مدتی توجیه داشته باشد؛ ولی معمولاً این روش در درازمدت نتیجه‌ای ندارد و لازم است که جرئت تغییرات بزرگ‌تری را داشته باشیم. باید به جایی برسیم که کارمان را کنار بگذاریم و کل زمان کاری خود را به کارآفرینی اختصاص دهیم. همچنین باید بر پیشرفت شخصی خودمان تمرکز کنیم.

۴. ترس

اغلب کارآفرینان دنیا یا ترس‌هایشان کنار می‌آیند و اجازه نمی‌دهد ترس مانعی برای انجام کارهای جسورانه باشد. آن‌ها در طول عمرشان تصمیماتی را می‌گیرند که از دید دیگران اشتباه‌ترین و خطرناک‌ترین تصمیمات هستند. بعضی از همین تصمیمات باعث می‌شود که شخص پیشرفت نمایی و بسیار سریعی در کار خود داشته باشد. اگر بیش از حد احتیاط کنیم و برای انجام هر قدمی در کار تمام جوانب ممکن را بسنجیم معمولاً هیچ کار ارزشمندی انجام نخواهیم داد.

۵. رویای بزرگ

مورد دیگر این است که برای موفقیت در کارآفرینی لزومی ندارد در ابتدای فعالیت، رویایی بزرگ و واضح داشته باشیم. اوایل کار شاید هدف ما پوشش هزینه‌ها و ادامه مسیر باشد. در ادامه کار به جایی می‌رسیم که رویایی شکل می‌گیرد.

بنابراین لزومی ندارد که برای موفقیت در کار، رویای بزرگی داشته باشیم و تا ۳۰ سال آینده خودمان را به وضوح ببینیم تا بتوانیم موفق شویم. البته مسلم است که داشتن رویای بزرگ و چشم‌انداز سرعت رشد ما را خیلی سریع‌تر می‌کند؛ ولی نکته‌ای که در اغلب کارآفرینان ایرانی وجود دارد این است که این افراد با یک هدف دیگری شروع کرده‌اند و در وسط کار بارها این هدف تغییر کرده است و بالاخره به یک موفقیت بزرگی رسیده‌اند و خیلی هم بر آن رویای بزرگ پافشاری نکردند. بیشتر علاقه به کار و تلاش بوده که باعث شده سریع پیشرفت کنند.

اغلب کارآفرینان موفق کارآفرینی را یک بازی می‌دانند که اغلب برنده می‌شوند و جایزه آن پول است. بیشتر وقت‌ها جایزه اهمیتی ندارد، بلکه برنده شدن برایشان مهم‌تر است.